

## واکاوی ماهیت تنبیه متجاوز در حقوق و رویه بین‌المللی

نادر ساعد<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۰۱

### چکیده:

در مورد ماهیت حقوقی تنبیه متجاوز، «دفاع ممتد یا تمدید شده» یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در نظم حقوقی بین‌المللی است. در جنگ تحمیلی نیز «تنبیه متجاوز»، یکی از رویه‌های مهم در تنویر و استناد به دفاع ممتد در نظم حقوقی بین‌المللی به شمار می‌رود. در پرتو این مفهوم، ادامه دفاع واکنشی تا پیروزی کامل و نابودی توان نظامی قدرت متجاوز به‌عنوان حقی مسلم در حقوق بین‌الملل عرفی برای دولت قربانی تجاوز محسوب می‌گردد که عملکردهای بعدی نیز از آن الهام خواهد گرفت. در این خصوص، دفاع مقدس به‌عنوان رویه ساز در نظم حقوقی بین‌المللی عمل نموده است. در این مقاله، به توصیف و تحلیل ماهیت تنبیه متجاوز در پرتو مفهومی که نویسنده آن را «دفاع ممتد» نامیده، پرداخته شده است:

### واژگان اصلی:

تنبیه متجاوز، دفاع مشروع جنگ تحمیلی، حقوق بین‌الملل، رویه دولت‌های.

---

۱- دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران، عضو گروه دیپلماسی دفاعی دانشگاه مالک‌اشتر.

۲ Prolonged self-defense

3. Extended self-defense

## مقدمه

تهاجم حکومت بعث عراق به سرزمین مقدس جمهوری اسلامی ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، نمادی از برجسته‌ترین و آشکارترین موارد تجاوز سرزمینی و نقض بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد بوده است.<sup>۱</sup> قراردادن اختلافات مرزی به‌عنوان توجیه اقدام نظامی در عین هماهنگی و آمادگی نظامی قبلی نظیر تجمیع نیروهای مسلح، برنامه‌ریزی، تجهیز از همه مجاری ممکن به‌ویژه بهره‌گیری از کمک‌های سخت‌افزاری و اطلاعاتی خارجی، جستجوی بهانه جدی به‌منظور جلب حمایت منطقه‌ای و جهانی برای آغاز حمله و نظایر آن، از عناصر و اجزای فرایندی هستند که عراق بعثی در زمینه‌سازی و عملی نمودن این تجاوز به‌کارگیری کرد. باین‌حال، پیشروی نیروهای بعثی در سرزمین کشورمان دیری نپایید و عزم ملی و مجاهدت فرزندان غیور سرزمین مادری در پرتو جان‌فشانی‌های نهفته در روند «دفاع مقدس»، توقف این پیشروی‌ها را ممکن نمود و مرحله‌به‌مرحله، مناطق اشغالی بازپس‌گیری شد و نیروهای متجاوز ضمن عقب‌رانده شدن به پشت مرزهای بین‌المللی، مجبور به عقب‌نشینی در داخل خاک خود شدند و رزمندگان ایرانی به دلایل مختلف به‌ویژه اعتمادساز نبودن «صلح فاقد تضمین لازم»، (اردستانی، ۱۳۷۹: ۲۶) عملیات را در قلمرو عراق ادامه دادند. این اقدام در راهبرد و ادبیات نظامی کشورمان، «تنبیه متجاوز» نام گرفت.

برخی منابع حقوقی خارجی با توصیف این اقدام به‌عنوان تجاوز و اشغال سرزمینی در فراتر از دفاع مشروع، تلاش نمودند مشروعیت حقوقی بین‌المللی آن را مخدوش کنند. این در حالی است که بر اساس مفهوم و مصداق دفاع مشروع به‌ویژه دفاع منتهی به سرکوب متجاوز (دفاع ممتد)<sup>۲</sup> در حقوق و رویه بین‌المللی، تنبیه متجاوز اقدامی مشروع و «ضروری» برای واکنش به

۱- با اینکه گزارش خاویر پرز دکوئیبار عراق را به‌عنوان متجاوز مورد شناسایی قرار داد، اما هنوز هم ادبیات حقوق دفاع مشروع در این زمینه از شفافیت لازم برخوردار نیست. به‌طوری‌که پروفیسور کاسسه با اشاره به ادعای عراق بعثی برای حمله به ایران به‌عنوان دفاع مشروع بازدارنده، تأکید نموده که سازمان ملل متحد این ادعا را محکوم نکرده است. نک به: کاسسه، ۱۳۷۰: ۲۶۹.

۲- دفاع ممتد علاوه بر اینکه بر امتداد زمانی و مکانی دفاع واکنشی تا تنبیه متجاوز دلالت دارد، پیوستگی و عدم انقطاع زمانی را نیز منعکس می‌کند به‌گونه‌ای که جهات زمانی و مکانی دفاع مشروع در آن نهفته است.

رژیمی بوده است که با تسلیح جامع، تجمیع توان سخت‌افزاری و اطلاعاتی نظامی، بهره‌گیری از مشاوره‌های نظامی و طرح‌های عملیاتی خارجی و انگیزه‌های سیاسی، ایدئولوژیک و امنیتی، نه تنها نسبت به توسعه‌طلبی سرزمینی دارای عزم و تمایل قاطع بوده بلکه هیچ‌گونه تضمینی برای عدم تکرار این اقدامات، متعاقب شکست طرح‌های تجاوزکارانه آن در سال ۱۳۶۰ وجود نداشته است.

به‌منظور ترسیم هنجارها و آموزه‌های حقوق بین‌المللی مشروعیت دهنده به تنبیه متجاوز در جنگ تحمیلی، نخست به مفهوم دفاع ممتد و سپس به مبانی حقوقی آن (و از جمله دلایل توجیهی تکمیلی دفاع ممتد در جنگ تحمیلی) خواهیم پرداخت. باتوجه به گذشت دو دهه از این واقعه، لازم است در ماهیت‌شناسی حقوقی آن، دو ملاحظه مهم و بنیادین را مدنظر قرار داد؛ ملاحظاتی که بی‌توجهی به آن‌ها ممکن است ضمن انحراف در دیدگاه و منظر حقوقی و همچنین انحراف در مجموعه منافع حقوقی قابل استناد، نهایتاً استتاجی نادرست را در پی داشته باشد.

ملاحظه نخست در تبیین و احراز ماهیت حقوقی تنبیه متجاوز، توجه به «حقوق قابل اعمال»<sup>۲</sup> است. اصولاً عنصر زمان از اساسی‌ترین عناصر حقوق حاکم بر توصیف و احراز اوصاف و ماهیت حقوقی هر موضوع<sup>۳</sup> یا وضعیت<sup>۴</sup> است. در این رابطه، حقوق مربوط به هر واقعه<sup>۵</sup> حقوقی است که در زمان وقوع واقعه موردنظر، جاری و معتبر است و تحولات حقوقی متأخر تأثیری در توصیف یا تعیین احکام راجع به وقایع قبل از آن ندارد. بر این اساس و با در نظر گرفتن حقوق بین‌زمانی (داماتو<sup>۶</sup>؛ ۱۹۹۲: ۱۲۳۶-۱۲۳۶)، یا انتقال قوانین در زمان<sup>۷</sup>، دامنه

۱- برخی از حقوقدانان بین‌المللی، ضرورت‌های نهفته در ادامه دفاع واکنشی علیه دولت متجاوز را در قالب شرط «تناسب» دفاع مشروع تحلیل کرده‌اند. نک به Dinestein, 2003: 212 :

۲ Applicable law

۳ issue

۴ situation

۵ fact

۶ D'Amato

۷ Inter-temporal law

قاعده لازم‌الاجرا در دوره اعتبار آن قاعده است و وقایع نیز تابع قواعد حقوقی زمان وقوع هستند. از همین رو، تحولات حقوق دفاع مشروع طی سال‌های اخیر (به‌ویژه مستندسازی مفهوم جنایت تجاوز)<sup>۱</sup> (نگاه کنید به ورله، ۲۰۰۷) و شکل‌گیری یا توسعه یا تبیین هرگونه منبعی را در حقوق بین‌الملل عرفی یا قراردادی یا سازمانی توسل به‌زور<sup>۲</sup> که مربوط به وقایع و تحولات اخیر است و رویه قضائی متأخر<sup>۳</sup> نمی‌توان به‌عنوان منبع و مستندی برای تحلیل جنگ تحمیلی مورد استناد قرار داد. در این باره منابع قراردادی و عرفی قابل مراجعه و استناد خواهند بود. گفتنی است با اینکه رخدادها و تحولات پس از تنبیه متجاوز در احراز حقوق قابل اعمال بر این موضوع سهیم نیستند، عملکرد کشورمان در اعمال تنبیه متجاوز خود از جمله به منابع و مستندات دکترین حقوقی برای استقرار مفهوم دفاع ممتد در رویه بین‌المللی و حقوق عرفی تبدیل شده است.

دومین ملاحظه، تحلیل آن در قالب موازین دفاع مشروع فردی است. هماهنگی و ائتلاف پنهان شرق و غرب با رژیم صدام، یاری‌رسانی به ایران در اعمال دفاع مشروع از سوی دیگر دولت‌های را ناممکن کرده بود. از این رو، اقدامات دفاعی کشور در برابر تجاوز عراق و حمایت‌های دول شرقی و غربی از آن رژیم، بر پایه دفاع فردی مقرر در ماده ۵۱ منشور و حقوق عرفی بوده است.

### بند اول: مفهوم دفاع ممتد در حقوق و رویه بین‌المللی

ورود نیروهای مسلح ایرانی به خاک عراق متعاقب آزادسازی بخش‌های وسیعی از مناطق اشغالی و عقب راندن نیروهای متجاوز در بخش‌هایی از نبرد به پشت مرزهای بین‌المللی (تابستان ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷)، (اردستانی: ۱۳۷۹، ۱۹) اقدامی بی‌نظیر از نظر نظامی و

#### ۱ Werle

۲- منظور از حقوق سازمانی، مجموعه منابع داخلی و خارجی حقوق ملل متحد به‌ویژه مصوبات ارکان آن است. این منابع حقوقی هرچند در برخی ابعاد دارای اشتراک با منابع قراردادی یا عرفی هستند، دارای ماهیت مستقل و مجزا و تفاوت‌های بنیادی هستند به‌گونه‌ای که می‌توان گفت حقوق ملل متحد، یک حقوق مختص به خود (sui generis) است.

۳- مگر اینکه رویه قضائی در ارتباط با سنجش وقایع یا وضعیت‌های بین‌المللی دهه ۱۹۸۰ باشد.

همچنین واقعه‌ای مهم از نظر حقوقی بوده که ضمن داشتن مبنا در نظم حقوقی، موجب تعمیق و تنویر رویه‌های مرتبط با عرف بین‌المللی شده است. با این حال، با توجه به گذشت دو دهه از این واقعه، لازم است در ماهیت‌شناسی حقوقی آن چند ملاحظه مهم و بنیادین را مدنظر قرار داد.

### منزلت دفاع مشروع

دفاع مشروع، حق ذاتی (و نه تعهد) (برای نظرات متناقض نگاه کنید به<sup>۱</sup> واتل، ۱۹۱۶: ۲۴۶) بر اساس حقوق حاکمیتی دولت‌هاست (دینشتاین؛<sup>۲</sup> ۲۰۰۳: ۱۶۳) که از سازش برای تنزل حاکمیت مطلق (حق جنگ) به حاکمیت نسبی (منع جنگ تجاوزکارانه) حاصل شده است.<sup>۳</sup> دولت‌های با سلب حق جنگ و پذیرش منع توسل به زور، به بقای این باریکه از جریان اصلی سنتی حق جنگ بسنده کرده (ساعد، ۱۳۹۰: ۱۱۱-۱۱۲) و آن را برای حفظ بقای خود در یک نظام بین‌المللی ناهمگون، پرفرازونشیب و دارای سرنوشت نامعلوم ولی مبتنی بر همکاری حول منافع مشترک، محفوظ داشته‌اند. از همین رو گفته‌اند که دفاع مشروع تابعی از «قاعده دومرحله‌ای»<sup>۴</sup> در جریان اجرا (دینشتاین؛<sup>۵</sup> ۲۰۰۳: ۱۸۵) و «یک صلاحیت جایگزین شونده موقت است» (ممتاز، ۱۳۳۸: ۱۵۸) که در موارد سکوت و عدم اقدام شورای امنیت، جایگزین حقوق شورا می‌گردد و به محض اقدام شورا، متوقف یا محدود به رعایت آن می‌شود. پرفسور بجاوی در توجیه این نکته تأکید نموده که «بقای جامعه بین‌المللی بر بقای دولت مدافع مقدم خواهد بود» (بجاوی؛<sup>۶</sup> ۱۹۹۶: ۲۷). با این حال، محتوای استدلال مذکور را

<sup>۱</sup> Vattel

<sup>۲</sup> Dinstein

<sup>۳</sup> - ذاتی بودن این حق، بدین معناست که این حق متعلق به همه دولت‌ها است، هرچند ماده ۵۱ منشور همانند تعهدی که در بند ۴ ماده ۲ مقرر شده است، تنها دولت‌های عضو ملل متحد را خطاب قرار داده است. نک به همان، ص ۱۶۵.

<sup>۴</sup> The Two Phases Rule

<sup>۵</sup> Dinstein

<sup>۶</sup> Bedjaoui

نمی‌توان جز در قالب منشور (تقدم ماده ۴۲ بر ماده ۵۱) <sup>۱</sup> به هنجارهای حقوق بین‌الملل مستند نمود. در فراسوی منشور، هیچ قاعده‌ای در حقوق بین‌الملل وجود ندارد که موجودیت قطعی یک دولت را فدای موجودیت تصنعی جامعه بین‌المللی نماید.

بر اساس ادبیات بند ۴ ماده ۲ منشور، دفاع مشروع نه تنها در برابر اقدامات علیه تمامیت ارضی قابل استناد و اعمال است بلکه در مقابل اقدامات نظامی علیه استقلال سیاسی دولت‌های نیز ساری و صادق خواهد بود.<sup>۲</sup> مجزا بودن مفهوم «تمامیت ارضی» و «استقلال سیاسی» در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد از یک سو و وحدت شمول دفاع مشروع در برابر هرگونه حمله مسلحانه در ماده ۵۱ آن منشور، مفید این معنا است که تفسیر مفهوم دفاع در این بخش از حقوق بین‌الملل، رابطه وثیقی با این دو ماده دارد. ماده ۵۱ با پرهیز از تصریح نوع حمله مسلحانه و حالت‌های مختلف آن، دفاع را به‌عنوان حقوق ذاتی دولت‌های، از این حیث به عرف احاله داده است. بر این اساس، هرچند دفاع در برابر حمله مسلحانه واقع شده و عینیت یافته، معمولی‌ترین مصداق این مفهوم در اذهان عمومی است اما هیچ مستند حقوقی برای محدود ماندن دامنه این حق به چنین شرایطی وجود ندارد. از همین رو، رویه بین‌المللی دولت‌های و رویه قضائی بین‌المللی بر بسط مفهوم حمله مسلحانه از حمله واقع شده به حمله در شرف وقوع حکایت دارد.

در ادبیات حقوق دفاع مشروع، مفاهیمی حاکی از انواع دفاع وجود دارند که هرچند همه آن‌ها از مشروعیت و اعتبار حقوقی بین‌المللی برخوردار نیستند اما وجود این عناوین حکایت از کاربست نیروی نظامی در رویه برخی دولت‌های و توجیه آن‌ها در پرتو دفاع مشروع دارد.

### دفاع واکنشی و بازدارنده

دفاع از نظر ماهیت و ارتباطی که با حمله دشمن دارد، اساساً در دو وضعیت واکنشی و بازدارنده قابل بررسی است. دفاع واکنشی<sup>۳</sup> محدود به «دفع» تجاوز و ناظر بر وضعیتی است که

۱- نادر ساعد، «حقوق توسل به‌زور در پهنه تحولات بین‌المللی»، در: ساعد، ۱۳۸۷: ۱۰۱-۱۰۲.

۲- در مورد اینکه دفاع در برابر «تهدید به حمله مسلحانه» نیز قابل اعمال است یا نه، نک به شرحی مبسوط در: (Green and Grimal, 2011: 284-329)

۳ Reactive self-defense

حمله مسلحان‌های از سوی یک دولت علیه دولت دیگر «واقع شده» باشد. در این وضعیت، متعاقب تحقق حمله مسلحانه که ممکن است با ورود نیروهای مهاجم به سرزمین دیگری یا اشغال جزئی همراه باشد، کشور مورد هجوم به اقدام نظامی برای متوقف نمودن تهاجم یا بیرون راندن آن‌ها از مناطق اشغالی و آزادسازی کشور متوسل می‌گردد. مضیق‌ترین معنای دفاع در ماده ۵۱ منشور، همین نوع دفاع است. بدیهی است که مفهوم حمله مسلحانه، متفاوت از درگیری مسلحانه است.

اما دفاع بازدارنده، موسع‌تر از دفاع پیشگیرانه<sup>۱</sup> است. دفاع پیشگیرانه، در برابر حمله در شرف وقوع یا قریب‌الوقوع معنا دار است (پرونده نیکاراگوئه؛ ۱۹۸۷: ۱۰۳) و «حقوق و رویه مبتنی بر قضیه کارولین این نوع دفاع را موجه نموده است» (اسکویت؛ ۲۰۰۶: ۷۶۶). حقوق بین‌الملل که خود بر حاکمیت دولت‌های استوار است بی‌توجه به حقوق ذاتی دولت‌های در خودیاری و تضمین امنیت خود در برابر تجاوز دیگر دولت‌های، نتوانسته قوام یابد. از این رو، با اینکه نظام امنیت جمعی و تصمیم شورای امنیت در خصوص تهدید صلح و امنیت بین‌المللی بر اقدامات فردی یا گروهی دولت‌های در دفاع مشروع تقدم اعتباری دارد، اما تا زمانی که تصمیمی برخلاف دفاع مشروع توسط شورای امنیت در یک مورد معین اتخاذ نشده است، حق ذاتی دولت‌های در دفاع - که متکی بر حق خودیاری است - (دینشتاین؛ ۲۰۰۳: ۱۵۹)، پابرجاست. این در حالی است که دفاع در برابر عناصر اولیه و مقدماتی، پراکنده از یک حمله فرضی و محتمل در آینده دور (دفاع پیش‌دستانه)، توسیع حق دفاع بر اساس علائق و تفاسیر بی‌ضابطه و نامحدود دولت‌هاست (ریشتر؛ ۲۰۰۳: ۶۱-۶۰)، که نه تنها مقبولیتی ندارد

۱ Preventive self-defense

۲ Anticipatory self-defense

۳ Imminent armed attack

۴ ICS, Nicaragua Case

۵ Skopets

۶ Dinstein

۷ Pre-emptive self-defense

۸ Richter

بلکه به منزله احیای حق جنگ در حقوق سنتی از مجرای استثنائی به نام دفاع مشروع در حقوق معاصر است. اما به هر حال دفاع همواره متوقف بر وجود عناصر تشکیل دهنده مفهوم تجاوز یا حمله مسلحانه است.

### بند دوم: مبانی حقوقی دفاع ممتد

دفاع ممتد، انجام دفاع واکنشی تا متوقف نمودن تجاوز، بیرون راندن متجاوز از مناطق تحت اشغال و همچنین کشاندن نبرد به سرزمین متجاوز به منظور از میان بردن قدرت ماشین جنگی دشمن و تضمین عدم تکرار تجاوز است.

در این دفاع، اقدامات واکنشی دولت مدافع تا کسب پیروزی نسبی یا کامل بر دشمن متجاوز امتداد می‌یابد. دفاع ممتد دارای مبانی حقوقی قابل اعتنا و جدی است که در پرتو وجود حق دولت‌های قربانی تجاوز سرزمینی بر نگرانی از استمرار وضعیت حمله تجاوزکارانه، ذاتی بودن حق دفاع و همچنین مفهوم حق دفاع در برابر حمله در شرف وقوع، قابل تشریح است.

### حق نگرانی دولت مورد تجاوز

محقق شدن حمله تجاوزکارانه از سوی دشمن علیه دولت دیگر - که متعاقب زمینه‌سازی قبلی، آماده‌سازی و تجمیع نیروی نظامی، طراحی و برنامه‌ریزی جنگی، آمادگی و به‌کارگیری اطلاعات است - به دولت مدافع حق می‌دهد نسبت به ادامه عملکردهای تجاوزکارانه دشمن حتی در صورت شکست اولیه تجاوز نیز نگران باشد. این نگرانی در مواردی که دولت متجاوز مصر به تعقیب اهداف سیاسی از مجرای عملیات نظامی بوده و شرایط محیطی منطقه‌ای و جهانی نیز مهبای از سرگیری تجاوز باشد و به‌ویژه اینکه شورای امنیت سازمان ملل متحد از ایفای تعهدات خود در شناسائی متجاوز، متوقف ساختن آن و تعیین مسئولیت‌های ناشی از تجاوز بازمانده یا قاصر از ایفای نقش مورد انتظار باشد، به مراتب منطقی جلوه می‌کند. در این موارد، پیش‌بینی تجهیز مجدد دولت متجاوز و از سرگیری عملیات نظامی تهاجمی و تجاوزکارانه نه تنها دشوار نخواهد بود بلکه مفروض گرفتن این اعاده تجاوز، مبتنی بر درک راهبردی و تفکر نظامی است. تا زمانی که موقعیت فردی و شخصیتی صدام، همکاری‌های بین‌المللی گسترده نظام بعثی عراق، پیش کشیدن اختلافات مرزی و تلاش‌های سیاسی بیگانگان برای متوقف نمودن انقلاب اسلامی از طریق کشورهای همسایه مدنظر قرار داده



شود، منطق نهفته در رویه ایران و نگرانی‌های دفاعی - امنیتی موجد دفاع ممتد تا شکست کامل دشمن و اضمحلال ماشین جنگی آن برجسته و آشکار می‌گردد.

براین اساس، حق نگرانی نسبت به تمامیت ارضی و امنیت ملی، نه تنها ایجاد و کسب آمادگی کافی و مهیا شدن برای واکنش به هرگونه حمله تجاوزکارانه بعدی را برای دولت مدافع ضروری و موجه می‌سازد بلکه ادامه دفاع تا ازمیان‌بردن منابع این نگرانی را نیز مشروعیت می‌بخشد، مشروط به آنکه این اقدام با اصول تناسب و ضرورت دفاع مشروع سازگار باشد.

### حق ذاتی و طبیعی دفاع

از آنجاکه دفاع حق ذاتی و طبیعی دولت‌هاست، نمی‌توان متعاقب شکست حمله عینی اولیه، دفاع در شرایط وجود قرائن موجه برای وقوع یا ازسرگیری حمله احتمالی را محدود نمود. هیچ قاعده‌ای در حقوق بین‌الملل متضمن این محدودیت یا توجیه‌کننده لزوم یا نیاز به وجود آن وجود ندارد. بلکه اساس حقوق بین‌الملل که مبتنی بر حاکمیت دولت‌هاست، تا زمانی که امنیت دولت‌های را از طریق جمعی یا تدابیر ویژه تأمین و تضمین نکرده، حقوق ذاتی دولت‌های برای حفاظت از خود<sup>۱</sup> را محفوظ نموده است. این حق را تنها در صورت وجود قواعد عام می‌توان محدود کرد و در غیر این موارد، حق دولت‌های در صیانت از حاکمیت و حقوق حاکمه خود باقی است.

هرچند دفاع مشروع، استثنائی بر ممنوعیت توسل به زور است که باید به نفع اصل و به صورت مضیق تفسیر شود (رز،<sup>۲</sup> ۲۰۱۲: ۷۳)، اما دفاع ممتد دقیقاً بر نگرانی‌های موجد حق ذاتی دفاع مشروع و همچنین مفهوم حمله در شرف وقوع یعنی ادبیات حقوق بین‌الملل قراردادی و عرفی استوار است که در رویه قضائی نیز تصریح و تأیید شده است. سابقه حمله تجاوزکارانه دشمن و اشغال بخش‌هایی از سرزمین دولت مدافع در اثر این حمله از یک سو، و ناکامی متجاوز در حفظ تسلط بر مناطق اشغالی و عواقب راهبردی قبول شکست در حمله از سوی دیگر، جدیت فرض اعاده و ازسرگیری حمله مجدد دشمن را مفروض می‌سازد.

علاوه بر این، دولتی که با به‌کارگیری نامشروع زور به منظور انجام جنگ تجاوزکارانه بخشی

<sup>۱</sup> Self preservation

<sup>۲</sup> Rose

از سرزمین دولت دیگر را مورد حمله فراگیر قرار می‌دهد باید خطر واکنش قاطع دولت مدافع تا نابودی توان جنگی آن دولت را پذیرا شود. واکنش مدافع، طبیعی‌ترین مؤلفه در برآوردهای نظامی و مدیریت تصمیم برای نبرد و هدایت صحنه نبرد است.

### تضمین و استقرار حق تمامیت ارضی

«باتوجه به اینکه تجاوز ارتكابی از ناحیه کشوری به مفهوم زیر پا گذاشتن حقوق حقه قربانی (بر حفظ تمامیت ارضی خود) است، در صورتی که قربانی در مقام دفاع مشروع برآید، در استقرار حق کوشیده است». (کاسسه، ۱۳۷۰: ۲۶۶) بدین منظور، ضمن تأکید بر حق دفاع برای دفع تجاوز، «قربانی حق ندارد خاک کشور متجاوز را اشغال کند مگر اینکه این امر برای مهار رفتار تجاوزگرانه متجاوز و بازداشتن از توسل به راه‌های نامشروع دیگر کام ضروری باشد». (کاسسه، ۱۳۷۰: ۲۶۲) بر اساس این عبارات، پروفیسور کاسسه ضمن شناسایی حق دفاع ممتد که در پیوستگی با دفاع واکنشی صورت می‌گیرد، این اقدام را حقی می‌داند که در شرایط استثنائی یعنی وضعیت توان و انگیزه تجاوزکارانه دولت متجاوز و ضرورت ازمیان‌بردن قابلیت‌های متصل به اعاده حمله تجاوزکارانه آن دولت، نمی‌توان استیفای آن را از دولت قربانی سلب نمود. بلکه این حق، جزئی از حقوق ذاتی حفظ و تضمین تمامیت ارضی در برابر رفتار تجاوزکارانه‌های است که هر آن، ممکن است قربانی با اعاده آن روبه‌رو شود و صدمات زیادی را از آن متقبل گردد.

### رعایت اصول ضرورت و تناسب

مشروعیت دفاع ممتد از منظر دکترین دو وضعیت متفاوت دارد. برخی از حقوقدانان، ادامه دفاع واکنشی تا ورود به خاک متجاوز و ازمیان‌بردن توان تهاجم مجدد آن دولت را مشروع می‌دانند. در این رهیافت، حق نابودی یا تضعیف توان تکرار تجاوز دولت آغازگر جنگ، حقی عام است که در همه موارد دفاع مشروع قابل اعمال خواهد بود. اما رهیافت دوم، استثنائی بودن این حق و محدود بودن آن به موارد «ضرورت» است. براین اساس، تنها هنگامی که اعاده حاکمیت بر سرزمین‌های اشغالی ناشی از تجاوز یا تضمین تمامیت ارضی آن در برابر تکرار تجاوز، ضروری باشد امتداد دفاع جزئی از دفاع واکنشی خواهد بود. مفهوم «در شرایط حاد دفاع مشروع» در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری (نظر مشورتی در مورد قانونی بودن تهدید

یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای؛<sup>۱۹۹۶: ۲۶۶</sup>، ممکن است انعکاسی از همین ضرورت و استثنائی بودن این نوع دفاع باشد؛ به‌رحال تمدید دفاع واکنشی تا سرکوب متجاوز، در این قالب مشروعیت دارد.

«دولتی که قربانی حمله مسلحانه است و حق خود را در دفاع مشروع اعمال می‌کند، همیشه لازم نیست که بر اساس شرایط دشمن خود بجنگد. دولتی که در حال دفاع مشروع می‌باشد، می‌تواند نبرد را به قلمرو دشمن خود بکشاند مشروط بر اینکه این اقدام برای بازپس‌گیری سرزمین‌های تصاحب شده و تضمین دفاع آن دولت ضروری باشد. به عبارت بهتر، این اقدام در صورتی که دفاع از قلمرو آن دولت مستلزم چنین عملی باشد، مشروع و قانونی خواهد بود» (فلک، ۱۳۹۱: ۶۷).

#### حق دفاع در پاسخ به حمله در شرف وقوع

دفاع ممتد، ماهیت تجمیع دفاع واکنشی علیه حمله محقق شده، و دفاع پیشگیرانه در برابر حمله قریب‌الوقوع آتی دولت متجاوز است. حقوق بین‌الملل به‌صورت مسلم حق دولت‌های را در انجام دفاع در برابر حمله «واقع شده» و همچنین حمله «در شرف وقوع»، به رسمیت شناخته است. در شرایطی که دولت متجاوز همه منابع خود را برای تسخیر سرزمین دیگری به‌کارگیری کرده و اقدام به تجاوز نموده اما این اقدامات با واکنش دولت قربانی، متوقف یا خنثی گردیده و در پرتو آن، دشمن به هدف خود نرسیده است، قرائن و امکان پیش‌بینی یا انتظار استمرار تجاوز و تجهیز مجدد نیروهای مهاجم برای شکستن سپر دفاعی مدافع نه‌تنها به‌صورت قوی وجود دارد بلکه هم‌زمانی برخوردهای مسلحانه در برخی جبهه‌های نبرد نیز امکان اعاده تجاوز سرزمینی را تقویت، معقول بلکه مسجل می‌نماید. در این موارد، نمی‌توان دولت مدافع را متعهد و مقید کرد از مرزهای بین‌المللی عبور نکند و در پشت مرزهای بین‌المللی، منتظر تجهیز و حمله مجدد دشمن بماند تا بتواند از حق دفاع استفاده کند. این تعهد فرضی مانع دفاع ممتد، با ماهیت دفاع و حق - تعهد دولت به حفظ تمامیت ارضی در برابر دشمن مسلم ناسازگار است.

۱ ICJ, " Advisory Opinion on the Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons"

شایان ذکر است که علت عدم شناسائی حق دفاع مشروع پیشدستانه در حقوق بین‌الملل، گسترده نکردن امکان‌های قانونی توسل به زور برای دولت‌های در فراتر از وجود تهدیدهای جدی امنیت سرزمینی است. اما وجود تهدید اعاده تجاوز سرزمینی در شرایطی که متجاوز در حمله اولیه خود ناکام مانده است، چنان قاطع و جدی است که نمی‌توان آن را با شرایط صوری و تصنعی مربوط به دفاع پیشدستانه در برابر حمله مفروض در آینده‌های محتمل و نامعلوم، مقایسه کرد.

در مواردی که مهاجم سیاست جنگ‌طلبی خود را در صحنه عمل به نمایش گذاشته است، دولت مدافع بی‌آنکه «منتظر اقدام واسطه‌ها بماند، باید به‌تنهایی نسبت به احقاق حق خود اقدام کند» (اردستانی، ۱۳۷۹: ۲۸، نقل به مضمون).

### هدف غائی دفاع مشروع

حفظ تمامیت ارضی و استقلال سیاسی و حقی که ذاتاً دولت‌های در این خصوص دارند، نه تنها از اساسی‌ترین محورهای حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود بلکه کلیدواژه منع توسل به زور در بند ۴ ماده ۲ منشور است. هدف از دفاع در ماده ۵۱ منشور نیز بر پایه همین کلیدواژه تعریف می‌شود. هدف دفاع، حفظ و اعاده تمامیت ارضی است و در صورتی که حمله مسلحانه واقع شده باشد، دفاع موجب تضمین حق بر تمامیت ارضی می‌گردد. بر این اساس، در دفاع واکنشی، این هدف با اخراج متجاوز از سرزمین خود حاصل می‌شود اما اعتماد به استقرار آثار دفع تجاوز تنها در صورتی است که دولت متجاوز در تکاپوی حمله مجدد نباشد. در غیر این صورت، هدف دفاع تنها با استقرار در مرزهای بین‌المللی حاصل نمی‌شود بلکه سرکوب متجاوز و ازمیان‌بردن یا تضعیف اساسی توان اعاده تجاوزگری آن، در زمره اهداف دفاع قرار خواهد گرفت به‌ویژه اگر اخراج متجاوز و سرکوب آن، توأمان و بدون فوت وقت باشد!

از این رو، علاوه بر اعاده وضعیت سرزمینی به قبل از حمله تجاوزکارانه، تضمین عدم تکرار

---

۱- فاصله زیاد بین تهاجم و دفاع، ممکن است موجب سلب حق دفاع گردد و در آن صورت ممکن است خود اقدامات دفاعی به‌عنوان نوعی تجاوز و تهاجم یا عمل تلافی‌جویانه محسوب گردد. چنان‌که غالباً اقدامات نظامی دیر هنگام برای اخراج عراق از کویت اشغالی را نه دفاع مشروع بلکه اعمال نظام امنیت جمعی تلقی کردند. نک به: سواری، ۱۳۹۰: ۱۰۲.

تجاوز به‌ویژه سرکوب متجاوز نیز از اهداف دفاع واکنشی ممتد یا امتداد موقتی و استثنائی دفاع واکنشی محسوب می‌گردد. به تعبیر دیگر، «دولتی که به دفاع مشروع متوسل شده است، دو هدف مشخص دارد: ابتدا بیرون راندن متجاوز از خاک خود و سپس تضمین بازگشت به وضع قبلی اراضی و کاهش دادن خطر یک تجاوز جدید. دولت مورد تجاوز بی‌آنکه جانشین شورای امنیت شود، می‌تواند تا وقتی که تضمین‌های کافی از سوی این شورا برای تحقق اهداف خود دریافت نکرده است، همچنان به دفاع مشروع خود ادامه دهد» (ممتاز، ۱۳۶۸: ۳۰) و این روند ادامه دفاع مشروع، در جهت تضمین عدم تکرار تجاوز توسط متجاوز خواهد بود.

به بیان دیگر، بر اقدامات دفاعی نمی‌توان محدودیت جغرافیائی بار نمود بلکه این اقدامات نه تنها در مرزها و نقاط تقابل متخاصمان بلکه در کلیه منطقه نبرد قابل انجام است (دینشتاین؛ ۲۰۰۳: ۲۱۰). رویه دولت‌های در طول جنگ‌های جهانی اول و دوم نیز نشان می‌دهد که دفاع مشروع اعم از فردی با جمعی را می‌توان به منشأ و اساس اشغال کشاند (پرونده نیکاراگوئه، ۱۹۸۶: ۳۷۱) و تا پیروزی نهائی ادامه داد (کونز، ۱۹۵۲: ۸۷۶).

### تمدید دفاع مشروع در رویه بین‌المللی

ادامه عملیات دفاعی نیروهای متفقین در جنگ جهانی دوم علیه آلمان نازی و اقدامات دفاعی امریکا در قبال ژاپن در واکنش به تجاوز به بندر پرل هاربر (اوپنهایم؛ ۱۹۵۲). سابقه امتداد زمانی دفاع مشروع علیه متجاوز تا تضمین عدم اعاده وضعیت‌های منتهی به تجاوز صورت گرفته را تأیید می‌کند؛ امری که مورد اعتراض دولت‌های نبوده بلکه مبنای اقدامات حقوقی بین‌المللی در مناسبات متفقین با دولت آلمان نازی در طول جنگ و پس از آن و در قبال ژاپن بوده است.

عملیات نظامی از سوی متفقین تا تسلیم بلاشروط دولت متجاوز نازی، مستند به مفهوم دفاع مشروع بوده است. در صورتی که یک تجاوز با نقشه قبلی صورت گیرد، دفاع مشروع ممکن

۱ Dinstein

۲ Nicaragua Case

۳ Kunz

۴ Oppenheim

است تمدید گردد حتی اگر متجاوز به خارج از قلمرو کشور اشغال شده رانده شده باشد و نیز ممکن است در بعضی موارد استثنائی، تا امحای کامل نیروهای مسلح دولت متجاوز ادامه یابد (زورک، ۱۳۷۶: ۶۷).

شایان ذکر است که در جنگ دوم خلیج فارس نیز کشاندن اقدامات دفاع جمعی کویت به داخل قلمرو عراق، نه تنها نمودی از دفاع ممتد بوده (اوکانال، ۱۹۹۰-۱۹۹۱: ۴۷۹) بلکه از لحاظ مشروعیت، به رویه ایران در جنگ تحمیلی مستند شده است. در این رابطه، اقدامات ایران در دفاع مقدس به منظور تنبیه متجاوز، رویه ساز شده است.

### دلایل ویژه دفاع ممتد در شرایط دفاع مقدس

اقدامات نظامی ایران تا ژوئیه ۱۹۸۲ (تیر ۱۳۶۱)، ناظر بر عقب راندن متجاوز و آزادسازی مناطق تحت اشغال بوده است. در این مقطع، شورای امنیت بدون استفاده از اختیارات مقرر در منشور، به ویژه صدر ماده ۵۱ برای معلق یا متوقف ساختن دفاع مشروع، «درخواست قاطعی برای بازگشت به مرزهای شناخته شده بین المللی نکرده بود» (ممتاز، ۱۳۶۸: ۳۹). از ژوئیه ۱۹۸۲ به بعد، برتری نظامی ایران نه تنها موجب عقب راندن متجاوزان به پشت مرزهای بین المللی و آزادسازی عمده مناطق تحت کنترل نظامی عراق شد بلکه با تعقیب این نیروها در داخل خاک عراق همراه بود. در این مقطع، شورا (قطعنامه ۵۱۴) و مجمع عمومی (قطعنامه ۳۷/۳)، خواستار توقف عملیات نظامی طرفین و بازگشت به مرزهای بین المللی شدند؛ اقدامی که مورد درخواست عراق بود ولی از نظر ایران فاقد تضمین امنیت سرزمینی به شمار رفت. تمدید دفاع واکنشی کشورمان تا کسب پیروزی، ناگزیر از وارد شدن نیروهای مدافع به قلمرو عراق بوده است؛ اقدامی که ناتوانی شورای امنیت در اجرای مسئولیت های بین المللی آن از یک سو و ادامه تصرف برخی حوزه های سرزمینی ایران توسط عراق از سوی دیگر، آن را بدل به ضرورتی دفاعی و امنیتی برای ایران کرده بود.

### الف) ناتوانی شورای امنیت در اجرای مسئولیت اعاده صلح

بر اساس ماده ۵۱ منشور، اقدامات دفاعی دولت های در مقابله با تجاوز سرزمینی، تا زمانی

است که شورای امنیت بر اساس مسئولیت‌های خود اقدام نکرده است. در روند به‌کارگیری دفاع مشروع توسط کشورمان در قبال عراق بعثی، شورا از ایفای مسئولیت‌های خود به‌صورت آشکار خودداری کرد.

از این رو، «اهمال شورای امنیت و عدم توانایی آن برای اجرای مسئولیت خود (عدم احراز اقدام تجاوزکارانه عراق و خودداری از شناسائی حق دفاع ایران) (ممتاز، ۱۳۶۸: ۳۸) یک اساس قانونی برای تعقیب عملیات نظامی از طرف ایران به شمار» (ممتاز، ۱۳۷۶: ۲۹) رفته است؛ اساسی که نه تنها در عقب راندن متجاوز بلکه در تنبیه و سرکوب آن در نوار داخلی مرز عراق نیز وجود داشته است. فارغ از این رویکرد حقوقی، «وضعیت حاکم بر نظام بین‌المللی که حاکمیت زور و عاری بودن از جنبه‌های عقلائی و انسانی بود» (اردستانی، ۱۳۷۹: ۲۸) ادامه دفاع فردی و به تنهایی را حتی در صورتی که «زمینه‌های حقوقی احقاق حق نیز از بین رفته بود» (ممتاز: ۲۹) ایجاب می‌نمود.

#### ب) ادامه اشغال نقاطی از سرزمین ایران توسط دولت متجاوز

متعاقب اخراج اشغالگر از مناطق اشغال شده در جنگ تحمیلی، به دلیل اعتراض‌های سرزمینی عراق و عدم تمکین به خطوط مرزی ناشی از موافقت‌نامه‌های فی‌مابین همچنان بخشی‌هایی هرچند اندک و جزئی از خاک ایران به‌ویژه در «منطقه نفت‌شهر، طدعه و نوسود تحت کنترل نظامی عراق باقی ماند. از آنجاکه اشغال نظامی قلمرو یک دولت تجاوز به شمار می‌رود، امتناع عراق از تخلیه این اراضی به تنهایی برای مشروعیت ادامه دفاع مشروع ایران» کافی بوده است. در مورد مناطق زین‌القوس و میمک نیز که سه روز قبل از شروع جنگ تحمیلی توسط نیروهای عراقی اشغال شده بود (ممتاز، ۱۳۷۶: ۳۲) همین نکته ساری و جاری است. عدم تخلیه نظامیان عراق از این مناطق نیز ضمن حفظ و بقای مفهوم و مصداق تجاوز، ادامه دفاع را در پی می‌داشته و موجه کرده است.

#### ج) ضرورت امتداد دفاع در قلمرو متجاوز

آیا تنبیه متجاوز بعثی، ضرورت داشته است؟ ضرورت ادامه دفاع برای تنبیه متجاوز، متکی بر موضع عراق در کاربست جنگ تجاوزکارانه در برابر ایران و ادعاهای کلان در خصوص مسائل مرزی و همچنین وضعیت نظامی آن کشور و تمایل جدی به تقابل نظامی با ایران بوده

است. به تعبیر دیگر، «وسائل مورد استفاده ایران برای تنبیه متجاوز، وسائل ضروری و لازم برای جلوگیری از خطر عملیات تجاوزکارانه مجدد عراق بوده است. به کارگیری مکرر سلاح‌های شیمیایی و بمباران مناطق مسکونی از سوی عراق، دلیلی بوده بر اینکه ظرفیت تجاوزگری این کشور لطمه‌ای ندیده است. در این شرایط، ایران با تعقیب عملیات نظامی در خاک عراق برای احقاق خود اقدام کرده است. عراق برای توجیه تجاوز خود، ادعا کرده بود که هدف نیروهای مسلح آن کشور از وارد ساختن خسارات و تلفات سنگین بر ایران، وادار ساختن ایران به دادن ضمانت‌هایی برای شناسایی حقوق عراق و حل اختلافات به نحو قطعی و همیشگی است» (ممتاز، ۱۳۷۶: ۳۳).

با در نظر گرفتن این انگیزه‌ها و مسائل بنیادی دخیل در اهداف عراق از حمله تجاوزکارانه، همواره این امکان جدی وجود داشته که عراق پس از رها شدن در مرزهای بین‌المللی، مجدداً در کوتاه‌ترین زمان ممکن به تجهیز و بازسازی قوای شکست‌خورده خود بپردازد و تجاوزی مجدد را با حدت و شدت بیشتر سازماندهی نماید. از این رو، در هم کوبیدن این توان و از بین بردن یا ایراد ضربه شدید بر توان بازسازی و تجهیز مجدد این نیروهای متجاوز، حقی اساسی در پرتو نگرانی به حق از حمله مجدد بوده است و این حق، جزئی اساسی از هدفی است که در پرتو دفاع مشروع برای دولت‌های قربانی تجاوز پدید آمده است. علاوه بر این جنبه‌های نظامی و امنیتی، «رهائی از شرایط نه جنگ نه صلح» (اردستانی، ۱۳۷۹: ۲۸) نیز از دلایل ادامه دفاع حتی در خاک عراق بود.

### نتیجه‌گیری

بر اساس تجربه تاریخی، در نظام بین‌المللی، قدرت همواره به صورت پراکنده و غیر مدون (کاسسه، ۱۳۷۰: ۳۳) مانده و تشکل دولت‌های در این نظام در قالب سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای نیز نه تنها تمرکز در قدرت را تضمین نکرده بلکه دست به دست شدن قدرت را در پی داشته و مدام این چرخه در حال دگرگونی و تحرک است. فراز و فرود دفاع مشروع در نظم حقوقی بین‌المللی انعکاسی از این چرخه است. در کل، هر چند حقوق بین‌الملل معاصر با رویکرد محدودکننده آزادی عمل دولت‌های، کمابیش رویکرد «گشاده‌دستی» (کاسسه، ۱۳۷۰: ۴۱) سنتی در رابطه با حاکمیت دولت را کنار گذاشته اما دفاع از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی در برابر تهدید و حمله خارجی، هنوز به مثابه حق



ذاتی به شمار می‌رود که نظام بین‌المللی مسیر حیات خود را با آن سازگار کرده است. اساساً ماهیت دفاع مشروع، «تنبیه» متجاوز است. (کاسسه، ۱۳۷۰: ۲۶۶) از این رو، با اینکه دفاع در برابر یک حمله واقع شده، حق روشن و بلا تردید هر دولت است، اما انتظار انفعالی دولت قربانی برای از سرگیری حمله تجاوزکارانه مجدد دولت متجاوز، وضعیتی غیرقابل قبول به سان همان چیزی است که مک دوگال آن را مغایر غایت قاعده منع توسل به زور کاهش توسل نامشروع بین‌الدولی به زور در حداقل ممکن - شمرده است. نقل از (کاسسه، ۱۳۷۰: ۲۶۷)

بر اساس اصول مسلم حقوق بین‌الملل عرفی، حق ذاتی دفاع مشروع در شرایطی که امنیت دولت مدافع مستلزم تداوم و امتداد دفاع است، نمی‌توان با تفسیر مضیق ماده ۵۱ منشور آن را ناممکن شمرد. ایران در تنبیه متجاوز به دنبال استیفای حقوق خود دائر بر تضمین تمامیت ارضی (آزادسازی کامل مناطق ایرانی تحت تصرف عراق و مصونیت سرزمین خود در برابر تهاجم قریب‌الوقوع مجدد) و جلوگیری از تکرار حمله تجاوزکارانه عراق (از طرق نابودکردن توان جنگی و اعاده تجاوز آن رژیم) بود. علاوه بر این، تجاوز سرزمینی، جرم تجاوز به معنای «نقض تعهدات اساسی برای حمایت از منافع بنیادین جامعه بین‌المللی» (گرافراث، ۱۹۹۸: ۲۳۸) بوده و از این منظر نیز دفاع ممتد گامی در جهت فراهم کردن زمینه‌های اجرای حقوق بین‌المللی کیفری بوده است. از این منظر، ادامه عملیات نظامی دفاعی در داخل خاک عراق با آرزو و انتظار تحریک و تحرک جامعه بین‌المللی به اتخاذ اقدامات لازم به‌ویژه از سوی شورای امنیت دائر بر تعقیب و مجازات مسئولان و پرداخت غرامت‌ها و هزینه‌های ناشی از تجاوز به ایران بوده است (ممتاز، ۱۳۷۶: ۳۴) اقدامی که هیچ‌گاه نه در ابعاد مسئولیت مدنی و نه کیفری مورد اهتمام شورای امنیت قرار نگرفت. بر اساس این دیدگاه، از آنجاکه جنگ تجاوزکارانه (بر اساس حقوق بین‌الملل قابل اعمال در دهه ۱۹۸۰) جرمی بین‌المللی بوده است، نه فقط موجب مسئولیت جزائی رهبران و مقامات آغازکننده آن بلکه سبب مسئولیت مدنی و تعهد به جبران خسارت جنگ هم می‌شده، لذا در آن اوضاع، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را به عمل نیاورده بود و این اقدامات هرگز نیز به عمل نیامد، حق ایران برای دفاع مشروع خویش باقی بود (ممتاز، ۱۳۷۶: ۴۰).

رویه ایران در دفاع ممتد و امتداد دفاع تا نابودی دشمن (نگاه کنید به امین، ۱۹۸۲: ۱۸۶)، نه تنها خود دارای مشروعیت بوده است بلکه به عنوان یکی از رویه‌های مهم و موجد حق در خصوص تدقیق این بخش از دفاع مشروع در رویه بین‌المللی محسوب می‌گردد که در ادبیات حقوقی به کرات مورد استناد قرار گرفته است (نگاه کنید به فرتی، ۱۹۹۰: ۲۰۸-۲۰۴). از این منظر، اقدام ایران در امتداد دفاع واکنشی در برابر تجاوز رژیم بعث عراق، اقدامی مؤثر و نافذ در شکل‌گیری و تعمیق حقوق بین‌الملل دفاع مشروع بوده و هست.

---

۱ see Amin

۲ see Ferretti

## منابع

- ۱- اردستانی، حسین. (۱۳۷۹). تنبیه متجاوز، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.
- ۲- زورک، یاروسلاو زورک. (۱۳۷۶). مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل، سالنامه انستیتوی حقوق بین‌الملل، جلد ۵۶، اجلاسیه ویسبان (نقل از ممتاز: ۷۵: ۵۰).
- ۳- ساعد، نادر. (۱۳۸۷). حقوق توسل به زور در پهنه تحولات بین‌المللی. تهران: حقوق بین‌الملل معاصر.
- ۴- ساعد، نادر (۱۳۹۰) «دفاع مشروع در واکنش به تروریسم: ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها»، در: ساعد (گردآورنده)، تروریسم، آسیب‌شناسی، بازیگران و ساختارها، تهران، مجمع جهانی صلح اسلامی.
- ۵- سواری، حسن. (۱۳۹۰)، «نقد کاربرد حق دفاع مشروع در مقابله با تروریسم»، در: نادر ساعد (گردآورنده)، تروریسم؛ آسیب‌شناسی، بازیگران و ساختارها، تهران، مجمع جهانی صلح اسلامی.
- ۶- فلک، دیتر (۱۳۹۱)، حقوق بشردوستانه در درگیری‌های مسلحانه، ترجمه با اهتمام و ویرایش سید قاسم زمانی و نادر ساعد، چاپ دوم، تهران: شهر دانش.
- ۷- کاسه، آنتونیو. (۱۳۷۰). حقوق بین‌الملل در جهانی نامتحد، ترجمه مرتضی کلانتریان تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری.
- ۸- ممتاز، جمشید. (۱۳۶۸). حق طبیعی دفاع مشروع در جنگ عراق با ایران. بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، تهران، کنفرانس بین‌المللی بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع.
- ۹- ممتاز، جمشید. (۱۳۷۶). حق طبیعی دفاع مشروع در جنگ عراق علیه ایران. در: ممتاز، ایران و حقوق بین‌الملل، تهران: دادگستر.

10. Amin, S. H. (1982), 'The Iran-Iraq Conflict: Legal Implications', 31I.C.L.Q. 167.

11. Bedjaoui, Mohammad (1996), 'Declaration of the ICJ Advisory Opinion on the Legality of the Threat of Use of Nuclear Weapons', ICJ Reports.

12. D'Amato, Anthony (1992), "International law, inter-temporal Problems, EPIL,

<http://anthonydamato.law.northwestern.edu/encyclopedia/intertemporal.pdf>.

13. Dinstein, Yoram (2003), *War, Aggression and Self-Defense*, Cambridge Uni. Press, Third ed.
14. Ferretti, M. J. (1990), "The Iran-Iraq War: United Nations Resolution of Armed Conflict", 35 *Vill.L.R.* 197.
15. Graefrath, Bernhard (1998), "International Crimes and Collective Security", in: K. Wellens (ed.), *International Law: Theory and Practice*, (Kluwer Law International).
16. Green, James A. and Grimal Francis (2011), "The Threat of Force as an Action in Self-Defense under International Law", *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, Vol. 44.
17. Halberstam, M. (1996-7), "The Right to Self-Defense Once the Security Council Takes Action", 17 *Mich.J.I.L.* 229.
18. ICJ, (1986), *Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Merits)*, ICJ Reports.
19. ICJ, (1996), "Advisory Opinion on the Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons", ICJ. Reports.
20. Kunz, J. L. (1952), 'Ending the War with Germany', 46 *A.J.I.L.* 114.
21. O'Connell, M. E. (1990-1), "Enforcing the Prohibition on the Use of Force: The U.N.'s Responseto Iraq's Invasion of Kuwait", 15 *S.I.U.L.J.*
22. Oppenheim, L. (1952), *International Law*, II, 225 (H. Lauterpacht ed., 7th ed.
23. Richter, Chris (2003), "Pre-emptive Self-Defence, International Law and US Policy", *Dialogue*.
24. Rose, Lesile (2012), "Is the US Bombing of Afghanistan Justified as Self-Defense under International Law?", available at: <http://www.iadllaw.org/>
25. Skopets, Michael (2006), "Battered Nation Syndrome: Relaxing the Imminence Requirement of Self Defense in International Law", *American University Law Review*, Vol. 55.
26. The Institute of International Law (1975), *The Inter-temporal Problem in Public International Law*, Eleventh Commission, Rapporteur: Mr Max Sorensen, Session of Wiesbaden [http://www.idi iil.org/idiE/resolutionsE/1975\\_wies\\_01\\_en.pdf](http://www.idi iil.org/idiE/resolutionsE/1975_wies_01_en.pdf)
27. Vattel, (1916), *The Law of Nations or the Principles of Natural Law*, Book III, § III, 35 (3 *Classics of International Law* ed., C. G.

Fenwick trans.

28. Werle, Gerhard (2007), "The Crime of Aggression between International and Domestic Criminal Law", Presentation at the XVth International Congress on Social Defence: Criminal Law between War and Peace: Justice and Cooperation in Military Matters in International Military Interventions, 20 - 22 September, Toledo, Spain,  
[http://www.defensesociale.org/xycongreso/ponencias/GerhardWerle .pdf](http://www.defensesociale.org/xycongreso/ponencias/GerhardWerle.pdf)

